

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)
سال دوازدهم، شماره ۴۶ تابستان ۱۴۰۲

نظریه آنالوژی قدرت ملی و سازه، الگوریتم تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران

● بهادر سرانجام ●

مدرس و پژوهشگر دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

● مهدی محسن زاده ●

دانش آموخته دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸

چکیده

رهبری جهان آینده متعلق به کشوری است که بهترین تحلیل‌ها را از تحولات جهانی در اختیار دارد. چنین کشوری می‌تواند هدایت دیگران را در سیستم بین‌المللی به عهده داشته باشد. هدف از این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، ارائه نظریه‌ای با عنوان "آنالوژی قدرت ملی و سازه، الگوریتم اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران" بر اساس پیشینه تحقیق در باب نظریه‌های قدرت و مصاحبه با خبرگان است. این نظریه با استفاده از روش تحلیل ماتریسی سازه‌ها، تأثیر تهدیدات بر المان‌های قدرت ملی را تعیین می‌کند. همچنین روش دشمن در جستجو و حمله به نقاط آسیب‌پذیر ساختار قدرت ملی را توصیف می‌کند. این نظریه در چهار مرحله توسعه یافته است: (۱) الگوریتم رتبه‌بندی متغیرها و ابعاد قدرت در سازه قدرت ملی (۲) الگوریتم روش جستجو و تخریب پایه‌های قدرت ملی (۳) الگوریتم محاسبه تاب آوری و ضریب اطمینان المان‌های قدرت ملی (۴) الگوریتم پیش‌بینی تهدیدات و ارائه راهبرد تصمیم‌گیری در درگیری‌های بین‌دو یا چندکشور. نظریه پیشنهادی دیدگاهی جامع به تصمیم‌گیرندگان به منظور تحلیل تأثیرات اقدامات دشمن و انتخاب بهترین راهبرد در جنگ احتمالی را ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: آنالوژی، قدرت ملی، سازه، تهدید، تاب آوری

مقدمه و بیان مسئله

مفهوم قدرت ملی مهمترین و جامع ترین مفهومی است که تمام مفاهیم و موضوعات دیگر را در بر می گیرد. رهبری جهان آینده، متعلق به کشوری است که بهترین تحلیل و پیش بینی را از تحولات جهانی در اختیار داشته باشد. چنین کشوری می تواند هدایت و رهبری کشورهای دیگر را به عهده داشته باشد. در نتیجه بررسی اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران یک بحث راهبردی مورد نیاز آینده کشور جهت پیش بینی تحولات آینده است. آنالوژی قدرت ملی و سازه و ارائه نظریه الگوریتم اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران بحث بسیار مفصلی جهت تحلیل قدرت ملی و تاب آوری آن و ارائه راهبرد تقویت قدرت ملی و پیش بینی اقدامات دشمن است. قدرت، جایگاه ویژه ای در نظام بین المللی و روابط بین المللی دارد. کشورها در ارتباط با یکدیگر با تکیه بر قدرت ملی خود و با هدف کسب اهداف و منافع ملی به مبارزه، رقابت و همکاری می پردازند. قدرت های بزرگ همواره در حال جهت دهی مناقشات بین المللی به سود خود هستند و قدرت های ضعیف تر به اجبار باید از تمام یا بخشی از خواسته های خود صرف نظر کنند. اهداف و منافع ملی باید متناسب با قدرت ملی و موقعیت کشور در نظام بین المللی باشد. قدرت ملی شامل: ابعاد نظامی، اقتصادی، سیاسی، علمی، اجتماعی، سرزمینی، فرهنگی، فرامرزی و فضائی می باشد. اهمیت ابعاد قدرت ملی با یکدیگر برابر نبوده و با توجه به تحولات جهانی، تاثیر پدیده جهانی شدن و ظهور تکنولوژی های جدید، دائماً در حال تغییر است.

مسئله ای که در بحث حاضر بیان گردیده، نظریه آنالوژی قدرت ملی و سازه، الگوریتم اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران است. مشکلی که این تحقیق به دنبال حل آن است پیش بینی تهدیدات آتی دشمن و ارائه راهبرد تصمیم گیری در درگیری های بین دو یا چند کشور جهت کمک به تصمیم گیرندگان به منظور تحلیل تاثیرات اقدامات دشمن و اقدامات خودمان و انتخاب بهترین راهبرد در جنگ احتمالی است. قدرت ملی را می توان به یک سازه و بنای مرتفع که ستون ها و طبقات مختلفی دارد و از عناصر سازه ای گوناگونی تشکیل شده، تشبیه کرد. جهت ساده سازی آنالوژی، ما عناصر ساده که همان تیرها و ستون ها هستند را در نظر می گیریم. سازه ای که از آن صحبت می شود ساختمان مستحکم قدرت ملی نظام ج.ا. ایران است که عناصر سازه ای آن همان متغیرها و ابعاد قدرت ملی هستند. دشمن (آمریکا و سایر کشورهایی که اهداف ملی متناقض با اهداف ملی ما دارند و یا خواهند داشت) می خواهد این سازه را تخریب نموده و یا به آن ضربه بزند.

سوال اساسی این است که دشمن به چه صورت می خواهد به سازه قدرت ملی ما ضربه بزند که آن را تخریب کند؟ مساله و مشکلی که این تحقیق به دنبال ارائه پاسخی مناسب به آن است. اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر آن است که دشمن می خواهد با صرف یک هزینه سیاسی و اقتصادی کمتر و یا منطقی آسیب جزئی و یا کلی به قدرت ملی ج.ا. ایران وارد کند. تلاش های دشمن برای سرنگونی و یا تغییر رژیم سیاسی در ایران در طول چهل و سه سال عمر انقلاب اسلامی، به دلیل قدرت نظامی و توان امنیتی بالای ج.ا. ایران ناکام مانده است. در نتیجه دشمن شروع به جستجو در ابعاد دیگر قدرت ملی ج.ا. ایران کرده است تا تهدیدات خود را در ابعاد آسیب پذیر قدرت ملی متمرکز سازد. در نتیجه آنالیز دقیق قدرت ملی دشمن، کشورهای همسایه و موثر در تحولات بین المللی مانند: چین و روسیه، همچنین آنالیز سازه مستحکم قدرت ج.ا. ایران و شناسایی نقاط آسیب پذیر یک بحث مورد نیاز کشور بوده و نظریه الگوریتم اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران ضمن پاسخگویی به نیاز فوق الذکر، به تصمیم گیران و فرماندهان کمک خواهد کرد که در جنگ احتمالی با دشمن با چشم باز و با دید وسیع نسبت به تحولات آینده تصمیم بگیرند و با آنالیز اقدامات دشمن و تعیین نقش ج.ا. ایران، بتوانند اتخاذ تصمیمات را خیلی راحت تر عملی و اجرایی کنند.

سوالات تحقیق عبارتند از: ۱- نظریه " الگوریتم اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران " چگونه در تصمیم گیری و اتخاذ راهبرد مناسب در جنگ احتمالی به تصمیم گیران و فرماندهان نظامی کمک می کند؟ ۲- الگوریتم رتبه بندی متغیرها و ابعاد قدرت در سازه قدرت ملی چگونه است؟ ۳- روش جستجو و تخریب پایه های قدرت ملی توسط دشمن چیست؟ ۴- الگوریتم محاسبه تاب آوری و ضریب اطمینان المان های قدرت ملی چگونه است؟ ۵- الگوریتم پیش بینی تهدیدات و ارائه راهبرد تصمیم گیری در درگیری بین دو یا چند کشور چیست؟

این تحقیق اهداف زیر را دنبال می کند: ۱- ارائه یک نظریه جدید راهبردی با عنوان نظریه آنالوژی قدرت ملی و سازه، الگوریتم اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران. ۲- ارائه الگوریتم تحلیل قدرت ملی ج.ا. ایران با استفاده از آنالوژی قدرت ملی و سازه به روش تحلیل ماتریسی سازه ها ۳- ارائه راهبرد جهت مقاوم سازی نقاط ضعیف سازه و افزایش تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران.

مبانی نظری

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق نشان می دهد قدرت از جایگاه ویژه ای در نظام و روابط بین الملل برخوردار است. بررسی پیشینه تحقیق نشان داد که ۴ مورد از مهمترین نظریاتی که به موضوع قدرت و آنالوژی قدرت پرداخته اند عبارتند از:

۱- رستمی در سال ۱۳۹۳ در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "عناصر قدرت از منظر مکتب رئیسم با تأکید بر نظریه هانس مورگنتا" نظریه مورگنتا را مورد بررسی قرار داد. نظریه مورگنتا اساساً بر قدرت نسبتاً مساوی ظرفیت ها و توانایی های دولت های رقیب یکدیگر تأکید می کند. برخی نظریه موازنه قوا را به صورت تغییر شکل توزیع قدرت به نحوی که سبب ایجاد تعادل و یا از بین رفتن تعادل می شود تفسیر کرده اند. هنگامی که دولتی سهمی افزون تر از قدرت در نظام بین الملل می خواهد، موازنه قدرت منطقه ای و یا بین المللی تغییر می کند. دولت های دیگر چنین اقداماتی را تهدید نسبت به امنیت و استقلال منافع خود تلقی کرده و به اقدامات نظامی و دیپلماتیک متقابل دست می زنند. در نظام بین المللی بعضی کشورها نقش موازنه دهنده را بازی می کنند (رستمی، ۱۳۹۳: ۵۲-۷۴).

۲- حافظ نیا در سال ۱۳۸۹ در مقاله علمی - پژوهشی با عنوان "نظریه ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان" نظریه ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان را ارائه کرد. در این نظریه جهان به دو بخش یا قلمرو کلی، یعنی غرب و شرق، شامل فضاهای کنترل، سلطه و نفوذ تقسیم می شود که رهبری هر یک از دو قلمرو مزبور توسط باشگاهی از قدرت های درجه یک و درجه دو جهان و با مشارکت قدرت های ضعیف تر صورت می پذیرد. قدرت های هر باشگاه دارای همجواری جغرافیایی و مواضع مشترک بوده و خود را در برابر و در حال رقابت با قدرت های باشگاه دیگر می پندارند. ساختار مزبور دارای شش منظومه یا واحدهای فضایی حلقوی بوده که به ترتیب از غرب به شرق عبارتند از: ۱. منظومه یا حلقه آمریکا ۲. منظومه یا حلقه ناتو ۳. منظومه یا حلقه اتحادیه اروپا ۴. منظومه یا حلقه شانگهای ۵. منظومه یا حلقه نژاد زرد ۶. منظومه یا حلقه اقیانوس آرام (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۳-۷).

۳- سیاری و همکاران در سال ۱۳۹۹ در مقاله علمی - پژوهشی با عنوان "تبیین جایگاه مؤلفه های صنایع دریایی در قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران" نظریه قدرت دریایی آلفرد ماهان را بررسی کرد. ماهان نیروی دریایی را به عنوان کلید قدرت جهانی مورد تأکید قرار داده است. بر اساس تجزیه و تحلیل قدرت دریایی بریتانیا و تاریخ دریایی جهان، ماهان توانست شش عامل را که قدرت دریایی تا حد زیادی به آنها بستگی دارد، تشخیص دهد. این عوامل عبارتند از: موقعیت

جغرافیایی، ویژگی‌های طبیعی، طول ساحل و وسعت قلمرو، جمعیت، خصوصیات ملی و خط‌مشی حکومت و رهبران سیاسی. به نظر آلفرد ماهان دریاهای جهان بیش از آن که سرزمین‌های جهان را از هم جدا کنند آن‌ها را به هم پیوند می‌دهند. خلاصه نظریه قدرت دریایی ماهان را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: ۱. تحلیل تاریخ نیروی دریایی انگلستان که توجیه‌کننده نقش انگلستان از یک قدرت جهانی بود. ۲. توجه به ایده نقش جهانی آمریکا که از طریق توسعه در کشورهای ماورای دریاها انجام می‌گیرد. ۳. اینکه ایا لیسسم نمی‌تواند از نظر مکانی ثابت باقی بماند، یا بایستی توسعه بیابد یا سقوط کند (سیاری، حافظ‌نیا، خانزادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۹-۹۱).

۴- نظریه دیگری که اخیراً مطرح شده، نظریه آنالوژی قدرت فضایی بلدین بُون^۱ است. وی در کتاب خود با عنوان "جنگ در فضا، راهبرد، قدرت فضایی، جغرافیای سیاسی" که در سال ۲۰۲۰ چاپ شده است، چشم‌انداز جدید و گسترده‌ای از چگونگی فعالیت‌های نظامی در فضا با نگاهی از منظر ژئوپلیتیک ارائه داده است. ادبیات فضایی طی سال‌های متمادی اتکای زیادی را به آنالوژی‌های دریایی نشان می‌دهد و نظریه بُون هم از همین قاعده پیروی می‌کند. با این وجود او از یک نگرش متفاوت بهره برده و از اعمال رویکردهای «آب‌های آزاد» شامل ناوگان دریایی و مسیرهای دریایی در کتاب خود اجتناب کرده است. بُون با مقایسه‌ای لطیف میان دو عرصه فضا و دریا می‌گوید: «مدار زمین یک ساحل کیهانی است که مناسب برای مانورهای راهبردی می‌باشد.» این گزاره شاید بهترین خلاصه از مقصودی باشد که وی تحت مدل اقلیمی خود سعی در ارائه آن دارد. سخن او این است که مدل اقلیمی یک قیاس دریایی بهتر برای موضوع قدرت فضا است. جایی که فعالیت‌های دریایی نزدیک به ساحل اتفاق می‌افتند. این ساحل در حقیقت محلی است که چنین فعالیت‌هایی اثرگذارند و یا از چیز دیگری تأثیر می‌پذیرند و معادل آن را در فضا می‌توان مدار زمین در نظر گرفت. قدرت دریایی اقلیمی، ضمن تأکیدی که بر تأمین نیازهای مرتبط با نیروها و راهبردهای مبتنی بر زمین توسط قدرت دریایی دارد، امکان نظریه‌پردازی عمیق‌تر درباره تعامل میان زمین و فضا را فراهم آورده است. تا جایی که تئوری قدرت دریایی آب‌های آزاد به دلیل اثرات قابل توجه قدرت دریایی اقلیمی توان رقابت با آن را ندارد.

بُون در کتابش هفت گزاره را تحت مدل اقلیمی خود برای قدرت فضایی مطرح می‌کند که مقصود از آن برقراری پیوند میان فعالیت‌های فضایی (از جمله نظامی) و فعالیت‌های زمینی است. این هفت فرضیه عبارتند از: ۱. هدف از نبرد فضایی غلبه بر فضا است. ۲. قدرت فضایی دارای ساختاری منحصر به فرد بوده و با زمین ارتباط دارد، ۳. غلبه بر فضا همانند حکمرانی بر زمین نیست. ۴. غلبه بر فضا

خطوط آسمانی ارتباطات را تغییر می‌دهد ۵. مدار زمین خط ساحلی گیتی برای رزمایشی راهبردی مناسب است ۶. قدرت فضایی در ذهنیت زمین محور وجود دارد ۷. قدرت فضایی پراکنده است و در زمین پراکنده می‌شود (Bowen, ۲۰۲۰: ۵۴-۱۹۳).

قدرت

قدرت یکی از مفاهیم بحث انگیز در حوزه جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، روابط بین الملل و علوم اجتماعی است. قدرت توانایی و استعداد فرد یا گروه برای رسیدن به اهداف خود و اعمال اراده بر افراد یا گروه‌های دیگر که اهداف منطقی خود را دنبال می‌کنند، به منظور تغییر رفتار آن‌ها در جهت مطلوب است (وحیدی و سنجقی، ۱۳۹۷: ۲۸-۳۲). همه سیاست‌ها تلاشی برای کسب قدرت است و قدرت پدیده‌ای است که ذاتاً در تکاپوی تقویت و توسعه خویش است. در نتیجه کشورها دائماً در تلاش برای کسب قدرتمند و قدرت برای بقا و حفظ موجودیت آنها ضروری است (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴).

ویژگی‌های قدرت

قدرت در رابطه بین دو طرف تعریف می‌شود که یک طرف دارنده قدرت است که با اراده و اختیار آن را اعمال می‌کند و طرف دیگر در مقابل اعمال قدرت از خود واکنش نشان می‌دهد. قدرت توانایی نفوذ و اثرگذاری در دیگران است و صاحب قدرت می‌تواند با اعمال آن باعث تغییر در رفتار دیگر نیروهای اجتماعی و سیاسی به نفع خود شود. هدف از کسب قدرت دستیابی به اهداف و تامین خواسته‌ها است. قدرت از ابعاد گوناگون مانند: ابعاد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، علمی و نظایر آن ناشی می‌شود. قدرت امری نسبی است و روابط قدرت با گذشت زمان تغییر می‌کنند (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۸).

انواع قدرت

قدرت را می‌توان به دسته بندی‌های گوناگون تقسیم کرد. قدرت مادی و معنوی، قدرت مشروع و غیر مشروع، قدرت منفی و مثبت، قدرت بالقوه و بالفعل و قدرت نرم و سخت (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۸).

ماهیت و جایگاه قدرت در روابط بین الملل

در تعاملات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظایر اینها در سطح بین المللی، نظامی تحت عنوان نظام بین المللی ظهور می‌کند که جوهره آن را قدرت و نزاع قدرت تشکیل می‌دهد. نظم جهانی چیزی جز نظم حاصل از گرایش به قدرت نیست. در واقع نظام بین الملل نهاد حاصل از نبرد قدرت در روابط بین الملل است. قدرت یک متغیر وابسته در برابر متغیرهای مستقل در نظام بین الملل نیست، بلکه قدرت روح و هسته اصلی نظام بین الملل است. قدرت، هم انگیزه، هم ابزار و هم هدف بازیگران در روابط بین الملل است (حافظ نیا، متقی، بوالحسنی و همکاران: ۱۱۶-۱۲۲).

قدرت در نظریه های روابط بین الملل

قدرت در روابط بین الملل از جایگاه ویژه ای برخوردار است. چنان که هانس مورگنتا از نظریه پردازان بزرگ روابط بین الملل می گوید همه سیاست ها تلاشی برای کسب قدرت است. از دیدگاه قدرت در روابط بین الملل، محور اصلی تجزیه و تحلیل، واحدهای سیاسی مستقل یا کشورها هستند. مورگنتا سیاست بین الملل را به صورت کشمکش بر سر قدرت توصیف می کند و معتقد است قدرت سیاسی رابطه ای است روانی میان کسانی که قدرت را اعمال می کنند و کسانی که قدرت بر آن ها اعمال می شود. از نظریه های روابط بین الملل که به نحوی به موضوع قدرت پرداخته اند می توان به نظریه موازنه قدرت، نظریه های امپریالیسم و قدرت، نظریه چرخه استیلا و نظریه وابستگی اشاره کرد (زرقانی، ۱۳۸۹: ۳۲-۴۰).

۱. نظریه موازنه قدرت

این نظریه قدیمی ترین نظریه سیاست بین الملل محسوب می شود که توسط هانس مورگنتا ارائه شده است. اصطلاح توازن قدرت بر قدرت نسبتاً مساوی و برابر توانایی های دولت ها و ائتلاف های رقیب یکدیگر تاکید می کند. مفهوم توازن قدرت شامل معانی مختلفی مانند: توزیع قدرت، تعادل قوا بین دو یا چند نیروی متخاصم و برتری نیرو است. طبق نظریه موازنه قدرت، همه روابط بین المللی ناشی از قدرت جهت کسب منافع و اهداف ملی است. حفظ بقا مهمترین هدف هر کشور است. کمبود منابع در دنیا موجب تعارض قدرت می شود که موجب میل به افزایش قدرت کشورها می شود. این افزایش قدرت از سوی دیگر کشورها تهدید به حساب آمده و موجب می شود دیگر کشورها هم به تقویت قدرت خود و یا تشکیل ائتلاف اقدام کنند و تلاش برای حفظ توازن قدرت ادامه پیدا کند. (مرادیان، هادی نژاد و پورمنافی، ۱۳۹۷: ۱۷۰-۱۷۹) و (رستمی، ۱۳۹۳: ۲۴-۳۱)

۲. نظریه های امپریالیسم و قدرت

در مورد امپریالیسم و قدرت، نظرات مختلفی وجود دارد. برخی نظریه پردازان امپریالیسم را واقعیت طبیعی پنهان در ساختار نظام بین الملل می دانند که در آن دولت های قوی تر با اعمال نفوذ بر دولت های ضعیف تر می کوشند توازن قدرت را برقرار کنند. برخی دیگر مانند مورگنتا معتقدند امپریالیسم سیاستی است که هدفش نابودی وضع موجود و تفسیر روابط قدرت میان دو یا چند ملت است. از نظر او هر افزایش قدرتی لزوماً خصلتی امپریالیستی نداشته و امپریالیسم به روند پویای تغییر دادن وضع موجود بین المللی از طریق تشکیل یک امپراتوری جدید گفته می شود (زرقانی، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۶) و (عزیزی و حاجی یوسفی، ۱۳۹۹: ۳۳۲-۳۴۰).

نظریه های امپریالیسم و قدرت شامل دو مورد است.

نظریه امپریالیسم ناشی از اقتصاد

بحث های امپریالیسم اقتصادی با الهام از رینولدز به دو دسته اراده گرایان و جبرگرایان تقسیم می شود. اراده گرایان عمدتاً از لحاظ سیاسی لیبرال محسوب می شوند. جبرگرایان عمدتاً از مارکسیسم تاثیر می پذیرند. در کلیه نظریه های امپریالیسم ناشی از اقتصاد فرض بر این است که ساختار زیربنایی اقتصاد سرمایه داری زمینه را برای پیدایش پدیده امپریالیسم فراهم می کند. نظریه های اقتصادی امپریالیسم و جنگ بر این فرض استوار است که کلیه مسائل بین المللی نه در قدرت سیاسی بلکه در منافع اقتصادی خلاصه می شوند و در منازعات بین المللی، عوامل اقتصادی مهم هستند (زرقانی، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۶) و (گلدانی، ۱۳۹۷: ۱۱۰-۱۱۲).

نظریه های چرخه استیلا

تحولات بین المللی در چند قرن گذشته نشان داد که نظریه های امپریالیستی دیگر امکان پذیر نیست و به چارچوب مفهومی دیگری برای ارزیابی و تحلیل روابط بین المللی نیاز است. نظریه پردازان چرخه استیلا، عرصه روابط بین المللی را عرصه رقابت بازیگرانی می دانند که مایلند نسبت به دیگران استیلا برتری پیدا کنند. گروهی از نظریه پردازان ابزار نظامی، گروهی ابزار اقتصادی، گروهی ابزار فرهنگی و گروهی موقعیت سیاسی را ابزار رسیدن به این برتری دانسته اند. (حافظ نیا، زرقانی، احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۷) و (Jamshidi and Yazdanshenas, ۲۰۲۰: ۵۷-۶۴).

نظریه وابستگی

اندره گوندر فرانک در سال ۱۹۶۷ برای اولین بار این نظریه را برای تبیین رابطه سلطه گرانه در سطح کلان مطرح کرد. این نظریه بیان می کند که مراحل پیشرفت سرمایه داری در شمال و عقب ماندگی کشورهای جنوب، نوعی رابطه اقتصادی و وابستگی بین این کشورها ایجاد می کند که به مقتضای آن سیر فزاینده عقب افتادگی به فزاینده پیشرفت یکی و شکوفایی دیگری منتهی می شود. کشورهای پیشرفته با تنظیم روابط اقتصاد بین المللی باعث می شوند که اقتصاد کشورهای عقب افتاده تابعی از تحولات کشورهای آن ها شود و به این ترتیب آنچه این دو نوع کشور را به هم پیوند می دهد، وابستگی است (زرقانی، ۱۳۸۹: ۱۶۴-۱۶۹).

نظریه های ژئوپلتیک

ژئوپلتیک بخشی از دانش جغرافیا است که با قدرت و سیاست پیوند خورده است و به همین دلیل رابطه جغرافیا با سیاست و قدرت از گذشته مورد توجه دانشمندان و سیاستمداران بوده است. دانش ژئوپلتیک به مسائل قدرت می پردازد چه در بعد فرآیندهای تولید قدرت، چه فرآیندهای توزیع و جابجایی قدرت و چه در ارتباط با ساختار جهانی قدرت. در واقع ژئوپلتیک علمی است که به مطالعه ابعاد فضایی-جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه های سیاست ملی و بین المللی می پردازد (حافظ نیا، صالح آبادی، زرقانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۹۲-۳۹۸) و (رجب پور و نریمانی، ۱۳۹۴: ۱۶۰-۱۶۴).

دیدگاه فضایی - سرزمینی

این دیدگاه، دیدگاه کلاسیک تفکرات ژئوپلیتیک بین سال های ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۰ میلادی بوده است. این دیدگاه منشأ قدرت و سلطه را تصرف سرزمین ها به ویژه نقاط استراتژیک می داند. بعضاً از چنین دیدگاهی در چارچوب استراتژی های جهانی به نظریه ژئواستراتژیک یاد می شود (حافظ نیا، صالح آبادی، زرقانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۹۲-۳۹۸).

دیدگاه اقتصادی

این دیدگاه را سوئل بی کوهن بیان کرده و منشأ قدرت را اقتصاد می داند (عزیزی و حاجی یوسفی، ۱۳۹۹: ۳۳۲-۳۴۰).

دیدگاه فرهنگی

این دیدگاه توسط ساموئل هانتینگتون ارائه شده است. او با طرح نظریات برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی به چهره معروفی تبدیل شد (زرقانی، ۱۳۸۸: ۵۰-۵۱). نظریه فضای حیاتی، نظریه کشور به عنوان موجود زنده، و نظریه قدرت دریایی نیز در زیرمجموعه دیدگاه فرهنگی بیان شده که به اختصار بررسی می شود.

نظریه فضای حیاتی

این نظریه توسط فردریک راتزل ارائه شد. این نظریه متأثر از نظریه تکامل داروین و دیدگاه داروینیسم اجتماعی هربرت اسپنسر است. او کشور را موجود زنده ای می دانست که دارای مراحل زندگی تولد، رشد، بلوغ و مرگ است و بر همین اساس قوانین رشد فضائی کشورها را ارائه داد. راتزل برای وسعت و موقعیت یک کشور در جغرافیای جهان اهمیت قائل بود. او نتیجه گرفت در منازعات قدرت، دولت های بزرگ پیروز می شوند و کشورهای کوچک را ضمیمه خاک خود می کنند. این وضع تا آنجا ادامه می یابد که جهان شامل چند ابرقدرت با سرزمین های وسیع خواهد شد. بدیهی است نظریه راتزل در ایجاد انگیزه امپریالیستی دولتمردان مهم بوده است (واثق، رضائی سکه روانی و چناری، ۱۳۹۶: ۶۷۶-۶۷۹).

نظریه کشور به عنوان موجود زنده

رودلف کیلن دیدگاه راتزل به کشور به عنوان موجود زنده را بسط داد. وی می گفت کشوری که پایه اش عمیقاً در حقایق تاریخی گذشته شده است مثل یک موجود زنده رشد می کند و می توان آن را به یک فرد انسانی تشبیه کرد که دارای قوه عقلانی و شعور است (شهیر و یاحی، ۱۳۹۵: ۸۴-۸۹).

نظریه قدرت دریایی

این نظریه از سوی آلفرد تیر ماهان دریاسالار آمریکایی ارائه شد. ماهان معتقد بود قدرت های اقیانوسی همیشه دست بالا را خواهند داشت. به عقیده وی فضاهای دریایی در شکل گیری قدرت

دریایی و تولید قدرت جهانی و کنترل و محاصره قدرت بری تاثیر زیادی دارند. در مقایسه قدرت دریایی و زمینی، ماهان قدرت زمینی را در محاصره یک قدرت دریایی تصور می کرد. ماهان شش عامل موقعیت جغرافیایی، ویژگی های طبیعی، طول ساحل و وسعت قلمرو، جمعیت، خصوصیات ملی و خط مشی حکومت و رهبران سیاسی را برای تبدیل یک کشور به قدرت دریایی مهم می دانست. لازم به ذکر است استراتژی های ماهان در زمان اوج قدرت دریایی ملکه ویکتوریا نوشته شده است و امروزه دیگر تفکرات او کهنه به نظر می رسد. (سیاری، حافظ نیا، خانزادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۹-۹۱) و (کریمی پور، ربیعی، مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۳-۲۰۰).

نظریه هارتلند

نظریه هارتلند^۱ در اوایل قرن بیستم توسط سر هلفورد مکیندر ارائه شد. علیرغم این که این نظریه امروزه در جغرافیا جایی ندارد، معروفترین مدل جغرافیایی در بحث های سیاسی به شمار می رود و هم اکنون نیز در مباحث سیاست خارجی مورد اشاره قرار می گیرد. مکیندر در نظریه خود اصالت تولید قدرت را به خشکی داد و در تفسیر این امر ساختار فضایی سه بخشی در ارتباط با همدیگر برای اوراسیا ارائه کرد که شامل بخش مرکزی یا هارتلند، هلال داخلی و هلال خارجی می شد. مکیندر قاره های آسیا، اروپا و آفریقا را به عنوان جزیره جهانی می شناخت. کلید جزیره جهانی، ناحیه محور یا هارتلند است. به عقیده مکیندر ناحیه هارتلند را هیچ یک از قدرت های دریایی تهدید نمی کرد. مکیندر هارتلند، هلال داخلی و هلال خارجی را در تعامل با هم قرار داد و فرضیه معروف خود را بدین شرح بیان کرد که کسی که فرمانروای شرق اروپا باشد، فرمانروای هارتلند خواهد شد و کسی که فرمانروای هارتلند باشد بر جزیره جهانی فرمان خواهد راند و کسی که فرمانروای جزیره جهانی باشد بر کل جهان فرمان خواهد راند (کلانتری و رسولی، ۱۳۹۸: ۱۴۲-۱۴۸).

نظریه ریملند

نظریه ریملند^۲ را نیکولاس اسپایکمن ارائه کرد. وی در نظریه اش بر روابط بین دولت ها و تاثیر جغرافیا بر سیاست تاکید کرد. وی به دقت عقاید مکیندر در مورد هارتلند را مطالعه کرد و بر خلاف مکیندر، اصالت را به حاشیه داخلی (هلال داخلی) نظریه مکیندر داد و آن را واجد قدرت واقعی دانست و عنوان ریملند را به این ناحیه داد. اسپایکمن قدرت دریایی را کلید استراتژی جهانی می دانست. متحدین قدرت های بزرگ معمولاً از منطقه ریملند انتخاب شده اند. منطقه ریملند امکان ترکیب قدرت بری و بحری را فراهم می کند و بیشترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباطات

1. Heartland

2. Rimland

در این بخش از جهان وجود دارد. به همین دلیل آمریکا همواره تلاش کرده در این ناحیه یک گره دفاعی علیه شوروی و روسیه ایجاد کند (جهانشاهی، نبی زاده و پناهی: ۸۹-۹۲) و (یزدان پناه، صفوی، قالیباف و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۷-۵۵).

نظریه قدرت هوایی

این نظریه را الکساندر سورسکی طرح کرد و بر این فرض استوار بود که قدرت های دریایی و زمینی زیرمجموعه های قدرت هوایی هستند. سورسکی آمریکا و روسیه را در نقاط خاصی از جهان قرار داد و دودایره بر نقشه جهان کشید که قسمت های تحت نفوذ هوایی هر یک را نشان می داد و این منطقه را منطقه تصمیم^۱ نامگذاری کرد. وی معتقد بود در صورت وقوع جنگ تمام عیار، منطقه تصمیم سرنوشت جنگ را تعیین می کند. تغییرات سریع تکنولوژی و ظهور موشک های قاره پیما و وجود زیردریایی های اتمی و مدارهای اقماری نتیجه گیری های او را کم ارزش کرده است (زرقانی، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۳).

نظریه سیستم ژئوپلتیک جهان

این نظریه را سوئل بی کوهن^۲ جغرافی دان معاصر آمریکایی در سال ۱۹۷۳ ارائه کرده است. کوهن بر اساس این قانون که بین حیات و فعالیت سیستم با میزان انرژی دریافتی رابطه وجود دارد وضعیت کشورها را تفسیر کرد. طبق نظریه او، کشورها جزئی از سیستم کلان جهانی تلقی می شوند که در ارتباط با سایر کشورها کنش متقابل دارند. اگر سیستم بسته باشد امکان داد و ستد انرژی کاهش می یابد و راه برای سقوط آن فراهم می شود. در مقابل سیستم های باز در حد بالا تبادل انرژی دارند و با قدرت به حیات خود ادامه می دهند. از دید کوهن به هر مقدار که سیستم بسته تر باشد و انرژی کمتری دریافت کند، انترپی^۳ سیستم افزایش و به دنبال آن توانایی سیستم کاهش می یابد و خطر نابودی آن را تهدید می کند. کوهن کشورها را از نظر انترپی به چهار گروه انترپی خیلی بالا، بالا، متوسط و پایین تقسیم بندی کرده و ساختار سلسله مراتبی قدرت را در پنج سطح قدرت های جهانی با برد قدرت جهانی، قدرت های منطقه ای با برد قدرت منطقه ای، قدرت های محلی با برد قدرتی در اطراف محل جغرافیایی خود، قدرت های ملی با برد قدرتی در چارچوب مرزهای خود آن کشور، و قدرت های ملی که در چارچوب مرزهای خود هم قدرتی ندارند و در آنها جنگ و نا امنی وجود دارد، تعیین می کند (احمدی و احمدی، ۱۳۹۶: ۲۴۰-۲۴۶) و (محمودزاده، قاضی و قوچانی، ۱۳۹۶: ۲۶۴-۲۷۰).

1 Area of Decision.

2 Saul B. Cohen.

3 Antropy.

نظریه بعد جدید قدرت

این نظریه را ساموئل هانتینگتون^۱ در سال ۱۹۹۹ میلادی ارائه کرده است. او چهار نوع سیستم قدرت جهانی را مورد بحث قرار می دهد: سیستم تک قطبی، سیستم دو قطبی، سیستم چند قطبی، و سیستم دوگانه تک قطبی- چند قطبی. به نظر هانتینگتون در یک جهان تک قطبی- چند قطبی تنها ابرقدرت مسلط در جهان خود به خود به تهدیدی علیه سایر قدرت ها تبدیل می شود. وی معتقد است، کشور ابرقدرت و قدرت های دست دوم منطقه ای در مقایسه با قدرت های عمده منطقه ای معمولاً منافع همسویی دارند و لذا برای پیوستن به قدرت برتر منطقه ای بر ضد ابرقدرت انگیزه قوی ندارند. وی معتقد است سیاست های جهانی از سیستم تک قطبی- چند قطبی فعلی در حال گذار به سیستم حاکمیت چند قطبی واقعی است و آمریکا هم به عنوان یک قدرت عمده و نه ابرقدرت در آینده مطرح خواهد شد (بوالحسنی، کلانتری، سعادت راد و همکاران: ۱۵۷-۱۶۴) و (سعادت راد و دهقان، ۱۳۹۵: ۱۹۸-۲۰۲).

آنالوژی قدرت ملی و سازه

آنالوژی

قیاس در زبان عربی و فراسنجی در زبان فارسی به عنوان معادل این واژه به کار گرفته می شود. یکی از روش های کارآمد در تشریح پدیده های پیچیده و آموزش آنها استفاده از "آنالوژی" یا "مشابه سازی" است. به عنوان مثال: بسیاری معتقدند که اینترنت و مغز انسان را می توان با یکدیگر قیاس (آنالوژی) کرد: هر کامپیوتر را می شود یک نورون فرض کرد و ارتباط بین نورون ها را مشابه ارتباط بین کامپیوترها در نظر گرفت. برق و انرژی را برای اینترنت می توان معادل خون و اکسیژن برای مغز فرض کرد. شبکه های اجتماعی تا حد زیادی شبیه شبکه های نورونی مغز مل می کنند و دایره المعارف های بزرگی مثل ویکی پدیا را می توان مصداقی از حافظه بلندمدت این مغز جهانی در نظر گرفت. آنالوژی یعنی به چالش کشاندن اذهان افرادی که تلاش می کنند قضایای پیچیده را با توجه به دانش تجربی خود درک کنند و درک خود از آنها را بهبود ببخشند. آنالوژی های راهبردی وسایلی برای عرضه قضایای کلی هستند. پس هدف از آنالوژی اظهار مطالبی است که باید تفکر انتقادی را در خوانندگان ایجاد کنند. ارائه نظریه آنالوژی باید نتیجه خالصی را برای تفکر راهبردی تولید کند. حتی اگر از نظر برخی افراد نظریه های ارائه

1 Samuuel P. Huntington.

شده نامطلوب تلقی شوند، کاربرد یا نقد آنها نیز می-تواند نتایج مفیدی به دنبال داشته باشد. اگر گزینه‌های بهتری برای درک واقعیت تجربی وجود داشته باشد، آنالوژی‌ها باید نقد، اصلاح، پالایش یا رد شوند. این کار به وسیله روش تحقیقی انجام می‌شود که شالوده مفهومی شفاف و انعطاف‌پذیری دارد. شفاف به نحوی که می‌توان روایی آن را به چالش کشاند و دوباره تایید نمود و انعطاف‌پذیر به شکلی که با تغییر شرایط وضعیت خود را حفظ می‌کند. آنالوژی مفهومی است که در موضوع قدرت ملی نیز به کار رفته است. به عنوان مثال بلدین بون در کتاب "جنگ در فضا، راهبرد، قدرت فضایی، جغرافیای سیاسی به ارائه نظریه آنالوژی قدرت فضایی و حاشیه ساحلی پرداخته است (Bowen, 2020: 24-29). در بخش‌های 2-7-2، 2-7-3، 2-7-4 و 2-7-5، مفاهیم اولیه و فرضیه‌های نظریه آنالوژی قدرت ملی و سازه مطرح شده است.

مقاومت مصالح

از علم مقاومت مصالح می‌دانیم که رفتار سازه‌ای یک عضو مانند تیر در شروع بارگذاری به صورت خطی است. یعنی با افزایش مقدار تنش^۱، کرنش^۲ به طور خطی افزایش می‌یابد تا به نقطه تسلیم^۳ برسد. پس از آن، با افزایش بیشتر تنش، تیر رفتار پلاستیک^۴ از خود نشان می‌دهد. یعنی تنش با کرنش رابطه خطی ندارد و در ازای افزایش مقدار کمی در تنش، کرنش زیادی خواهیم داشت تا تیر به حد بحرانی^۵ برسد و سطح مقطع عضو کاهش یابد تا به مقداری بحرانی برسد و پس از آن از هم گسیختگی^۶ عضو اتفاق می‌افتد (طاحونی و اخوان لیل آبادی، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۹).

بارگذاری سازه‌ها

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، بارهای اصلی وارده بر سازه شامل بار مرده، بار زنده، بار باد و بار زلزله و بار برف هستند. بارگذاری‌های وارده بر سازه‌ها به دو نوع استاتیکی و دینامیکی تقسیم می‌شوند. به بارهایی که تابعی از زمان باشند بار دینامیکی گفته می‌شود، یعنی به صورت $P=F(t)$ قابل بیان هستند. بارهای استاتیکی حالتی خاص از بارهای دینامیکی محسوب می‌شوند که با تابع ثابت تعریف می‌شوند (طاحونی و اخوان لیل آبادی، ۱۳۷۸: ۵۰-۵۲).

1 Stress.

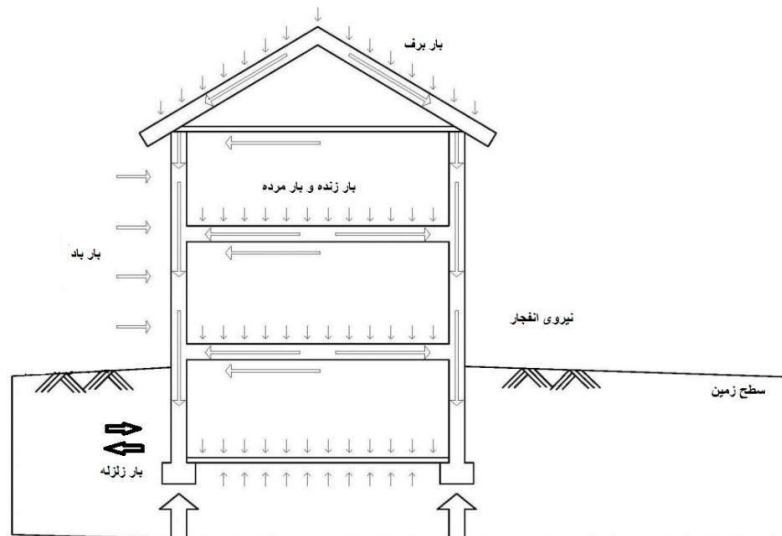
2 Strain.

3 Yield Point.

4 Plastic.

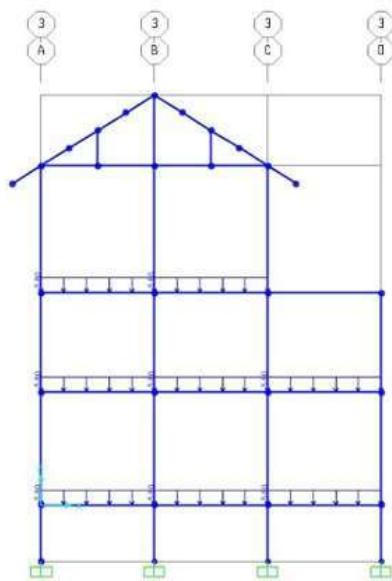
5 Necking.

6 Rapture.

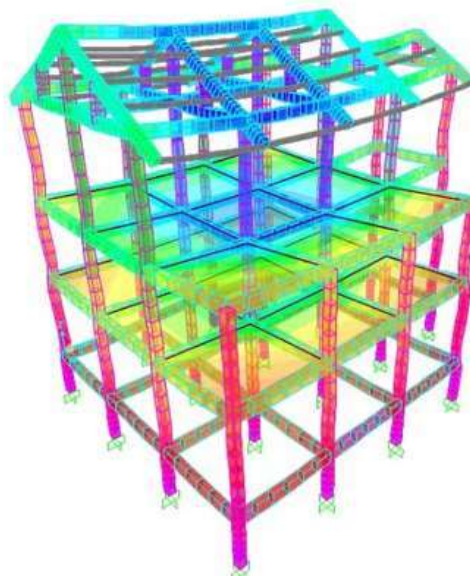


شکل (۱) بارهای مابین تیرکها و ستونها و بارهای بوابه سازه

هر نوعی بارگذاری بر سازه، موجب انتقال نیرو به اجزای سازه می شود و در نتیجه تغییر مکان (تغییر شکل) در آن اعضاء اتفاق می افتد. به طور مثال در شکل ۲ تغییر شکل سازه تحت بارگذاری مرده و زنده، و تحت بارگذاری زلزله نشان داده شده است (طاحونی و اخوان لیل آبادی، ۱۳۷۸: ۵۷-۶۱).



(۱)



(۲)

شکل (۲) - مقایسه تغییر شکل سازه (۱) تحت بار مرده و زنده (۲) تحت بار زلزله

تحلیل ماتریسی سازه ها

تحلیل ماتریسی سازه ها یکی از روش های تحلیل سازه است که در آن سازه را با مدلی ریاضی که بتوان آن را به فرم ماتریسی درآورد، جایگزین می نمایم. اگر هدف اصلی تحلیل سازه، تعیین

تغییر مکان های مربوط به گره های سازه باشد، در این صورت تحلیل ماتریسی سازه به روش سختی^۱ یا روش تغییر مکان^۲ انجام می گیرد. از طرف دیگر اگر هدف اصلی تحلیل سازه، تعیین نیروهای داخلی دو انتهای عضو باشد، در این صورت تحلیل ماتریسی سازه به روش نرمی^۳ یا روش نیروها انجام می گیرد. روش سختی برای محاسبه سختی (تاب آوری) سازه قدرت ملی و روش نرمی برای محاسبه نیروهای موجود در هر یک از متغیرها و ابعاد قدرت ملی استفاده می شود (کامگار، حیدری و جاودانیان، ۱۳۹۷: ۱۴-۲۲).

بر اساس مبانی نظری روش سختی، معادله ماتریسی نهایی به فرم زیر است:

$$\begin{bmatrix} P_1 \\ P_2 \\ \vdots \\ P_n \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \frac{\partial P_1}{\partial \Delta_1} & \frac{\partial P_2}{\partial \Delta_1} & \dots & \frac{\partial P_n}{\partial \Delta_1} \\ \frac{\partial P_1}{\partial \Delta_2} & \frac{\partial P_2}{\partial \Delta_2} & \dots & \frac{\partial P_n}{\partial \Delta_2} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \frac{\partial P_1}{\partial \Delta_n} & \frac{\partial P_2}{\partial \Delta_n} & \dots & \frac{\partial P_n}{\partial \Delta_n} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} \Delta_1 \\ \Delta_2 \\ \vdots \\ \Delta_n \end{bmatrix}$$

نیروهای خارجی موثر بر سیستم
(به انضمام عکس العمل ها)

ماتریس مربعی (ماتریس سختی)

تغییر مکان های نقاط گرهی (به
انضمام تغییر مکان تکیه گاه ها)

سنجش کمی تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران

با آنالوژی بین قدرت ملی و سازه برای سنجش سختی (تاب آوری) سازه قدرت ملی به روش تحلیل ماتریسی سازه ها می توان نوشت:

$$\begin{bmatrix} P_1 \\ P_2 \\ \vdots \\ P_n \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \frac{\partial P_1}{\partial \Delta_1} & \frac{\partial P_2}{\partial \Delta_1} & \dots & \frac{\partial P_n}{\partial \Delta_1} \\ \frac{\partial P_1}{\partial \Delta_2} & \frac{\partial P_2}{\partial \Delta_2} & \dots & \frac{\partial P_n}{\partial \Delta_2} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \frac{\partial P_1}{\partial \Delta_n} & \frac{\partial P_2}{\partial \Delta_n} & \dots & \frac{\partial P_n}{\partial \Delta_n} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} \Delta_1 \\ \Delta_2 \\ \vdots \\ \Delta_n \end{bmatrix}$$

تهدیدات خارجی موثر بر
قدرت ملی (تحریم
اقتصادی، ترور و ...)

ماتریس مربعی (ماتریس سختی یا همان
تاب آوری جامعه ایران در هر یک از
متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی،
نظامی و ...)

تأثیر هر یک از متغیرهای
اقتصادی، اجتماعی، سیاسی،
نظامی و ... در قدرت ملی

1 Stiffness Method.

2 Displacement Method.

3 Flexibility Method.

بنابر این با مشخص نمودن تاثیر هر متغیر در قدرت ملی و اندازه گیری تهدیدات خارجی موثر بر قدرت ملی، می توان تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران در مقابل تهدیدات را به دست آورد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و توسعه ای می باشد، پژوهش کاربردی، پژوهشی است که پژوهشگر به دنبال دستیابی به اطلاعاتی است که در موقعیت‌های علمی بتوان از آن‌ها استفاده کرد یا به وسیله آن مشکلی را حل کرد یا راه حل مسأله‌ای را به دست آورد. در این تحقیق، محققین قصد ارائه نظریه ای مهم و کاربردی جهت تبیین الگوریتم اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران را داشته اند تا به کمک این نظریه در جنگ احتمالی با چشم باز و با دید وسیع نسبت به تحولات آینده بتوانیم تصمیم بگیریم و با آنالیز اقدامات دشمن و تعیین نقش خودمان، اتخاذ تصمیم های خودمان را خیلی راحت تر بتوانیم عملی و اجرایی کنیم. روش تحقیق پیمایشی و توصیفی بوده است. در گردآوری مطالب از منابع کتابخانه ای و اینترنتی استفاده شده است. به این صورت که طبق مطالعات اکتشافی و مصاحبه با اساتید دانشگاه، خبرگان و صاحب نظران در حوزه های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، روابط بین الملل، و خبرگان نظامی با مدرک تحصیلی دکتری تخصصی، روش دشمن در جستجو و حمله به نقاط آسیب پذیر ساختار قدرت ملی احصا و تعیین گردید. ابزارهای گردآوری اطلاعات در این پژوهش شامل: مصاحبه، اسناد و مدارک معتبر مندرج در کتب، پایان نامه ها، مقالات علمی - پژوهشی فارسی و انگلیسی و پایگاه های اینترنتی بوده است. به این صورت که به منظور غنی کردن ادبیات پژوهش از طریق مصاحبه عمیق با ۱۰ نفر از صاحب نظران و خبرگان، اطلاعات لازم جمع آوری و اشباع نظری حاصل گردید. در این پژوهش از روش نظریه بنیان برای تبیین تئوری استفاده می شود. به این صورت که نظریه الگوریتم ضربه زدن دشمن به سازه ملی جهت تخریب آن با استفاده از تحلیل ماتریسی سازه ها، تاثیر تهدیدات بر ابعاد و المان های قدرت در چهار مرحله زیر توسعه و تبیین یافته است: ۱) الگوریتم رتبه بندی متغیرها و ابعاد قدرت در سازه قدرت ملی ۲) الگوریتم روش جستجو و تخریب پایه های قدرت ملی ۳) الگوریتم محاسبه تاب آوری و ضریب اطمینان المان های قدرت ملی و ۴) الگوریتم پیش بینی تهدیدات و ارائه راهبرد تصمیم گیری در درگیری های بین دو یا چند کشور.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

نظریه الگوریتم اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران

قدرت ملی را می‌توان به سازه^۱ تشبیه کرد. یک سازه عبارت است از یک عضو و یا مجموعه‌ای از اعضا که به منظور تحمل و انتقال مطمئن نیرو به کار می‌رود. بنابر این کار اصلی سازه، انتقال نیروهای موثر بر آن به نقاط تکیه گاهی به نحوی امن و اقتصادی می‌باشد. همان‌طور که قدرت ملی از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، سرزمینی، نظامی، علمی، فرامرزی و فضایی و هم‌چنین متغیرهای موثر بر هر یک از این ابعاد تشکیل می‌شود، یک سازه هم از اجزای مختلفی مانند: تیرها، ستون‌ها، دال‌ها، فنرها، خرپاها، تکیه‌گاه‌ها و نظایر اینها تشکیل شده است. تهدیدات خارجی یا داخلی وارد شده بر قدرت ملی را می‌توان به بارگذاری^۲ بر روی سازه تشبیه کرد. همان‌طور که در یک سازه بارگذاری وارده بر ساختمان در تیرها تقسیم شده و به ستون‌ها منتقل می‌شود و از ستون‌ها به پی ساختمان منتقل شده و در نهایت به زمین منتقل می‌گردد و مکانیزم این تقسیم و انتقال بارهای وارده باید به نحوی طراحی گردد که موجب مستحکم و پایدار بودن آن ساختمان شود، قدرت ملی هم سازه‌ای است که بارگذاری تهدیدهای داخلی و خارجی باید در آن متغیرها تقسیم شده و به ابعاد منتقل شود و از ابعاد به ابعاد پایه‌ای قدرت ملی منتقل گردد و مکانیزم این تقسیم و انتقال بارگذاری تهدیدات وارده باید به نحوی طراحی گردد که موجب مستحکم و پایدار بودن قدرت ملی ج.ا. ایران جهت تامین اهداف و منافع ملی شود.

در تحلیل سازه‌ها میزان نیرو و تغییر مکانی که به هر یک از اعضاء سازه تحت بارگذاری مشخصی وارد می‌شود قابل اندازه‌گیری و محاسبه است. با آنالوژی بین قدرت ملی و سازه، تهدیدهای داخلی و خارجی را می‌توان مانند یک بار استاتیکی یا دینامیک بر روی سازه در نظر گرفت. مثلاً تحریم اقتصادی را می‌توان مشابه با یک بار جانبی مانند باد و ترور شهید سپهد قاسم سلیمانی را مشابه یک بار ضربه‌ای مانند زلزله در نظر گرفت و با کمی‌سازی متغیرهای قدرت ملی محاسبه کرد که در اثر وارد شدن نیروی تهدیدات دشمن، هر کدام از متغیرها و ابعاد قدرت ملی چه تغییر شکلی پیدا می‌کنند. با آنالوژی بین قدرت ملی و سازه، می‌توان گفت که با افزایش تنش در متغیرهای قدرت ملی تحت تاثیر تهدیدات خارجی و داخلی (تحریم اقتصادی، ترور و...) آن متغیر تا حدی

1 Structure.

2 Loading.

رفتار الاستیک نشان می دهد و با برداشتن تنش، جامعه می تواند به تعادل اولیه خود دست یابد. اگر تاثیر تهدید بر متغیرهای قدرت ملی از آن حد بیشتر شود، تغییرات ایجاد شده در متغیرهای قدرت ملی قابلیت بازگشت به حالت اولیه را ندارد و آسیب پذیری قدرت ملی و جامعه در مقابل آن تهدید بیشتر می شود. (مانند کاهش سطح مقطع عضو سازه ای که در مبانی نظری مقاومت مصالح به آن اشاره شد) و اگر تاثیر تهدیدات به حد بحرانی برسد، از هم گسیختگی اتفاق می افتد که به معنای از هم گسیختگی قدرت ملی در مقابل تهدید خارجی و یا داخلی است.

۲. الگوریتم رتبه بندی متغیرها و ابعاد قدرت در سازه قدرت ملی

با مقدماتی که گفته شد، به ارائه نظریه آنالوژی قدرت ملی و سازه، الگوریتم اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج. ا. ایران پرداخته می شود. سوال اساسی این است که دشمن به چه صورت می خواهد به سازه قدرت ملی ما ضربه بزند که آن را تخریب کند؟ ابعاد قدرت ملی شامل ابعاد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره هستند. هر کدام از این ابعاد خود از چندین متغیر تشکیل شده است. همان طور که پیش از این گفته شد، هر کدام از عناصر یا المان های سازه ای را می توان مانند متغیرها و ابعاد قدرت ملی فرض کرد. به هر حال نکته مهم آن است که این قدرت ملی ج. ا. ایران است که به صورت المان هایی از یک سازه بر روی هم سوار شده است. اهمیت المان های قدرت ملی با هم برابر نیست. بعضی المان ها پایه ای مانند ستون های اصلی در طبقات پایینی سازه که وزن کل ساختمان را تحمل می کنند و بعضی دیگر غیر پایه ای، مانند تیرهای طبقات آخر ساختمان هستند. المان های پایه ای نقش بیشتری در استحکام و پایداری کل سازه دارند. به طور مثال: بعد اجتماعی قدرت به عنوان یکی از ابعاد قدرت ملی، بعضی المان هایش در پایه قرار دارد و بعضی از المان های آن ممکن است در طبقات بالاتر سازه قدرت ملی قرار داشته باشند. در ساختار هندسی پایه های قدرت، همه ی المان ها در یک بعد کنار هم قرار ندارند، بلکه این المان ها به صورت پراکنده، مجزا و حتی با فاصله در طبقات مختلف پخش هستند. مثلا یک یا چند المان از بعد فرهنگی ممکن است در پایه قرار داشته باشند. همچنین یک یا چند المان از بعد سیاسی ممکن است در پایه قرار داشته باشند. هدف این است که مشخص کنیم که چه المانی در پایه قرار دارد و چه المانی در طبقات بالاتر سازه قرار دارد. موقعیت و جایگیری المان ها در پایه و یا طبقات سازه قدرت ملی با توجه به ماهیت و عملکرد المان ها مشخص می شود. توجه به این نکته هم ضروری

است که المان‌ها به دو دسته پایه‌ای و غیر پایه‌ای (به صورت صفر و یک) تقسیم نمی‌شوند بلکه المان‌ها دارای طیفی از صفر تا یک هستند که از پایه‌ای‌ترین المان‌ها در فونداسیون (صفر) آغاز شده و تا المان‌هایی در بالاترین طبقه از سازه قدرت ملی (یک) ادامه می‌یابد و به هر المان می‌توان عددی بین صفر تا یک بر حسب درجه پایه‌ای بودن آن المان اختصاص داد. میزان وابستگی سایر المان‌های قدرت ملی به یک المان خاص درجه پایه‌ای بودن آن المان را نشان می‌دهد. درست مانند یک سازه که وزن سازه‌های دیگر را تحمل می‌کند. هر چه وابستگی و تاثیرپذیری المان‌ها از یک المان خاص بیشتر باشد آن المان پایه‌ای‌تر می‌باشد. در نتیجه برای ترتیب بندی عناصر قدرت ملی باید میزان تاثیرپذیری المان‌ها از یکدیگر را تعیین کنیم. یعنی وقتی ابعاد قدرت ملی را احصاء کردیم، باید با استفاده از ماتریس دو بعدی قدرت-قدرت میزان همبستگی ابعاد قدرت ملی با یک المان خاص را تعیین کنیم و در نهایت ترتیب پایه‌ای بودن المان‌ها را با یک شماتیک ساده روی فونداسیون سازه قدرت ملی قرار دهیم. بدیهی است هر چه میزان وابستگی و تاثیرپذیری المان‌ها از یک المان خاص کمتر شود، آن المان در طبقات بالاتر سازه قدرت ملی قرار می‌گیرد. این روند تا آخرین طبقه سازه قدرت ملی یعنی سطحی که هیچکدام از المان‌های واقع شده در آن تاثیری بر یکدیگر و بر المان‌های دیگر سازه قدرت ملی ندارند، ادامه می‌یابد.

۳. الگوریتم روش جستجو و تخریب پایه‌های قدرت ملی

دشمن می‌خواهد به سازه قدرت ملی ضربه بزند. در وهله نخست می‌خواهد آن را تخریب کند اما این کار برای دشمن هزینه زیادی در پی دارد که صرف این هزینه زیاد یا در توان دشمن نبوده و یا توجیه اقتصادی و سیاسی ندارد و به صرفه نیست. در نتیجه دشمن شروع به جستجو در المان‌های اصلی قدرت ملی کشور می‌کند تا دریابد که کدام المان پایه‌ای که روی فونداسیون هست را می‌تواند با صرف یک هزینه کمتر یا منطقی بزند تا سازه قدرت ملی ما را تخریب کند. تلاش‌های دشمن در طول چهل و دو سال عمر انقلاب اسلامی ایران در تخریب المان‌های پایه‌ای در فونداسیون سازه قدرت ملی ایران بی‌نتیجه بوده و المان پایه‌ای پیدا نشده که بتواند کل ساختمان را فرو بریزد چون چنین المان ضعیفی در پایه وجود داشت که این سازه تا به حال تخریب شده بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که هم سازه قدرت ملی ما از استحکام خوبی برخوردار بوده و هم هزینه‌ای که دشمن باید پرداخت می‌کرده بیشتر از توان او بوده است. در نتیجه دشمن شروع به جستجو در المان‌های یک طبقه بالاتر می‌

کند و دوباره در می یابد که به المان های آن سطح هم نمی تواند آسیب بزند و به همین صورت یک طبقه یک طبقه بالاتر می آید تا آنجا که برآورد می کند که هزینه تخریب المانی از سازه قدرت ملی قابل تامین بوده و آن المان ارزش تخریب را هم دارد، پس شروع به ضربه زدن جهت تضعیف و در نهایت تخریب آن المان می کند. این موضوع که با تخریب آن المان چه اندازه از سازه قدرت ملی فرو می ریزد نیاز به کمی سازی المان ها و ابعاد قدرت ملی دارد که هدف این مقاله نیست، اما آنچه مسلم است اینکه با تخریب آن المان غیر پایه ای کل ساختمان فرو نمی ریزد و یک قسمت کوچک از آن (به عنوان مثال یک طبقه یا حتی قسمتی از یک طبقه) فرو خواهد ریخت. به هر حال صرف نظر از این که حجم تخریب کم یا زیاد است، تخریب قابل بازسازی است یا خیر؟ یا اینکه اقدام ما جهت ترمیم و بازسازی تخریب چیست؟

نکته پراهمیت آن است که به هر حال سازه قدرت ملی به کلی تخریب نشده و هنوز قابل استفاده و بهره برداری خواهد بود. به دلیل تحولات مستمر قدرت ملی، تهدیدات و تحولات ساختار ژئوپلیتیکی جهانی، الگوریتم هدف یابی دشمن جهت تخریب به صورت جستجوی مستمر برای یافتن المانی مناسب از سازه قدرت ملی ما جهت تخریب که برای ما ضرر و برای دشمن منفعت به همراه داشته باشد تبیین می گردد.

۴. الگوریتم محاسبه تاب آوری و ضریب اطمینان المان های قدرت ملی

برای پیدا کردن المان مناسب جهت ضربه زدن و تخریب، دو پارامتر اساسی سازه قدرت ملی مورد توجه دشمن است: ۱- استقامت و قدرت سازه قدرت ملی ۲- تاب آوری و ضریب اطمینان المان های سازه قدرت ملی. به دلیل نیروهای وارده ناشی از وزن خود سازه، اداره مملکت و آسیب های داخلی بر روی سازه قدرت ملی، یک سری بارگذاری های داخلی روی سازه قدرت ملی صورت می گیرد. دشمن با بررسی نیروهای وارده و تاب آوری المان های قدرت ملی، ضریب اطمینان (تاب آوری) هر المان قدرت ملی در مقابل تنش های وارده را محاسبه می کند. این ضریب اطمینان در واقع امنیت ملی ما در موضوع آن المان خاص است. محاسبه مستمر ضریب اطمینان المان های قدرت ملی برای دشمن مهم است، زیرا می خواهد با یک نیرو و هزینه کم بتواند تخریب را انجام دهد. تعیین ضریب اطمینان (تاب آوری) در المان ها و ابعاد قدرت ملی مبحث بسیار مهمی است زیرا نشان دهنده اختلاف تنش های موجود روی آن المان با آستانه تخریب آن المان است. به همین منظور باید در ماتریس دو بعدی قدرت-قدرت، اثرپذیری المان ها نسبت به دیگر المان ها را اندازه گیری

کنیم تا متوجه شویم کدام المان‌ها پایه‌ای هستند و کدام پایه‌ای نیستند. روش کار به این صورت است که ۱- پس از تشکیل ماتریس قدرت-قدرت، توسط نظرات خبرگان اثرپذیری ابعاد از هم با بله و خیر تعیین می‌شود. یعنی در ماتریس آنهایی که اثرپذیر است را تیک زده و آنهایی که از هم اثرپذیر نیستند ضربدر زده می‌شود. ۲- میزان این اثرپذیری با عدد و ضریب توسط طیف لیکرت تعیین می‌شود (صفر، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد، بی‌نهایت زیاد). المان‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- آنهایی که تاثیری بر یکدیگر ندارند (کلا کنار می‌گذاریم) ۲- آنهایی که تاثیر کم و متوسط بر دیگر ابعاد دارد (فعلاً کنار می‌گذاریم) ۳- آنها که تاثیر زیاد و خیلی زیاد بر سایر ابعاد دارد (بررسی خواهیم کرد). به علت اینکه تعداد المان‌ها بسیار زیاد است در این مرحله صرفاً المان‌هایی با میزان اثرپذیری زیاد و خیلی زیاد بررسی خواهند شد. به دلیل تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در آینده نه چندان دور ممکن است تاثیرگذاری المان‌ها تغییر کند. بعضی المان‌ها استاتیک بوده و در گذر زمان ثابت بوده و تغییری نمی‌کند. بعضی دیگر دینامیک بوده و در اثر گذر زمان تغییر می‌کنند. در مورد بعضی المان‌ها که کمی هستند با بررسی روندهای کشوری و جهانی می‌توان تاثیرگذاری آن‌ها را مشاهده کرد و در مورد بعضی دیگر که کیفی هستند باید به نظر خبرگان رجوع نمود. در هر صورت باید میزان تغییرات المان‌ها از طریق نظر سنجی از خبرگان به روش دلفی یا با بیگ دیتا و داده کاوی کمی سازی و تعیین شود. نتیجه این بررسی‌ها در نهایت تشخیص المان‌ها و ابعاد پایه‌ای است. دشمن می‌خواهد المان‌های پایه‌ای قدرت ملی ما را مورد هدف قرار دهد. در نتیجه باید بدانیم که اثرات مولفه‌های تهدید خارجی روی قدرت داخلی چقدر است؟ به عبارت دیگر پاسخ سازه قدرت ملی ما نسبت به تهدیدات خارجی چگونه است؟ به منظور دستیابی به این هدف، باید ماتریس تهدید-قدرت را به همین سبک که برای ماتریس قدرت-قدرت گفته شد تعیین نمود. قدم بعدی اقداماتی است که جهت جلوگیری از گسترش تخریب‌ها باید انجام شود. بحث این است که اگر نیروی تهدید اقتصادی مثلاً بالا رفتن نرخ ارز بر سازه قدرت ملی وارد شود، کدام المان‌ها و کدام ابعاد از آن متاثر می‌شوند. به عبارت دیگر، نیروی نرخ ارز موجب ایجاد تغییر شکل در کدام تیرها و ستون‌ها خواهد شد و پخش شدن نیروی تهدید وارده در اعضای سازه با چه الگوریتمی است و در صورت تخریب یک تیر یا ستون، چگونه می‌توان از گسترش تخریب سازه قدرت ملی جلوگیری نمود. در واقع بحث مقاوم سازی سازه مطرح می‌شود. به طور مثال در مورد بالا رفتن نرخ دلار و تاثیرات آن بر سازه قدرت ملی، باید بتوانیم ارتباط بین

قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز مردم و نرخ ارز را قطع کنیم تا با تغییرات نرخ ارز، زندگی مردم در تنگنای اقتصادی قرار نگیرد. همچنین با افزایش روابط اقتصادی با روسیه و چین بتوانیم در مواقع لزوم کالاهای اساسی مورد نیاز کشور را تامین نماییم. هم چنین تک نرخ شدن قیمت ارز از ایجاد رانت اقتصادی که افزایش قیمت ارز می تواند ایجاد کند جلوگیری می کند و مثال های بسیار زیاد دیگری نظیر اینها که در مورد هر المان و هر بعد از قدرت ملی می توان مطرح کرد.

۵. الگوریتم پیش بینی تهدیدات و ارائه راهبرد تصمیم گیری در درگیری بین دو یا چند کشور

پارامتر تعیین کننده پیروزی و شکست در نزاع بین دو کشور، بحث قدرت ملی است. قدرت ملی با ابعاد مختلفی می تواند به دو قسمت تهاجمی (آفندی) و تدافعی (پدافندی) تقسیم شود. قدرت ملی ابعاد مختلفی دارد که بعضی ابعاد می توانند در دو قسمت آفندی و پدافندی تعریف شوند و بعضی ابعاد تنها در یک قسمت می توانند تعریف شوند که این بستگی به عملکرد آن سازمان، نهاد یا آن المان مورد نظر است. پس وقتی بین دو کشور نزاع یا مقابله ای در بحث نظامی یا غیر نظامی در می گیرد، بایستی هر دو قسمت آفند و پدافند مطرح و بررسی گردد. بحث اصلی این است که قدرت ملی کشور در مقابل کشور دیگر بایستی به تنهایی لحاظ نشود و قدرت ملی کشورهای دیگری که در منطقه و در جهان حضور دارند به قدرت ملی این دو کشور اضافه یا کم شود. به طور مثال وقتی نزاعی احتمالی بین دو کشور ایران و آمریکا در می گیرد، بایستی قدرت ملی نیروهای همسو با ایران و نیروهای همسو با آمریکا هم در نظر گرفته شود. نیروهای همسو می تواند کشور یا گروه های رسمی یا غیر رسمی که در این کشورها حضور دارند باشند. به طور مثال قدرت ملی کشور سوریه که متحد ایران است و هم چنین قدرت حزب الله که یه گروه در لبنان است که گرچه در کشور لبنان مشارکت دارد ولی صرفاً یک گروه است نیز بایستی در نزاع هایی که در عرصه بین المللی در می گیرد، در کنار قدرت ملی ج.ا. ایران در نظر گرفته شود. پس در بحث نزاع بین دو کشور، حتما باید قدرت ملی کشورها به نوعی در این دو جبهه تقسیم بندی شود. کشورهای تاثیر گذار ابتدا کشورهای همسایه هستند که مرزهای مشترک زمینی یا دریایی با ایران دارند و به عنوان حلقه اول شناخته می شوند، سپس کشورهایی که در منطقه حضور دارند در حلقه دوم^۱ تاثیر گذاری قرار دارند

و در نهایت کشورهایمانند چین که در دور دست هستند اما به دلیل قدرت ملی قوی که دارند می‌توانند در این نزاع‌ها تا اندازه زیادی اثرگذار باشند در حلقه سوم قرار می‌گیرند. در یک نزاع احتمالی آتی، کشورهایمانند که می‌توان با قطعیت پیش‌بینی کرد که به چه سمتی از نزاع موضع‌گیری می‌کنند اما خیلی از کشورها منتظر می‌مانند تا شرایط را بررسی کنند و ببینند موازنه قوا به چه سمتی هست و روند نزاع چگونه پیش می‌رود و موضع‌گیری آن‌ها بر اساس وضعیتی خواهد بود که بعدها به وجود خواهد آمد و الان نمی‌توان پیش‌بینی کرد که قدرت ملی این کشورها به کدام سمت متمایل می‌شود ولی بعد از نزاع و درگیری اینها بر اساس موازنه و روند نزاع ممکن است به هر سمتی متمایل شوند. پیش‌بینی شرایطی که در یک نزاع احتمالی پیش خواهد آمد باید حتماً در بررسی نزاع‌های بین دو کشور لحاظ شود. باید این قدرت‌ها، تقسیم‌بندی آنها، ارتباطاتشان، قطعیت‌شان و احتمالاتشان هم در نظر گرفته شود. این طرفداری‌ها و مخالفت‌ها ممکن است در ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی و نظیر اینها باشد که با تعیین و تقسیم‌بندی آنها برای یک کشور و در یک نگاه کلی باید بتوانیم نقشه درگیری در یک نزاع احتمالی را ترسیم کنیم. ترسیم این نقشه و مشخص کردن مولفه‌ها با استفاده از تکنیک‌هایی مثل رنگ، موقعیت، چیدمان و نمادها بحث بسیار مهمی است که قطعاً در مطالعات آینده مورد بررسی و استفاده قرار می‌گیرد. در یک نگاه کلی قدرت ملی اساس بررسی نزاع‌ها و مقابله‌های بین کشورها است و در درگیری و نزاع مشخص و پررنگ بین دو کشور، تقسیم‌بندی قدرت‌های ملی کشورهای دیگر، تقسیم‌بندی قدرت‌ها در ابعاد مختلف و ترسیم ارتباط این ابعاد با این دو کشور بسیار مهم است. این موارد را می‌توان به صورت یک نقشه و اطلس جامع ترسیم کرد.

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه می‌توان گفت نظریه ارائه شده در این پژوهش، نظریه "آنالوژی قدرت ملی و سازه، الگوریتم اثر تهدیدات و تاب‌آوری قدرت ملی ج.ا. ایران" یک مطلب بسیار مهم و راهبردی و مورد نیاز کشور در بحث قدرت ملی و نقش قدرت ملی کشورها در منازعات بین دو کشور یا منازعات بین چند کشور است. قدرت ملی ج.ا. ایران به صورت‌المان‌هایی از یک سازه مستحکم که بر روی هم سوار شده، آنالوژی شده است. این نظریه الگوریتم ضربه زدن دشمن به سازه ملی جهت تخریب آن را تبیین کرده و با استفاده از تحلیل ماتریسی سازه‌ها، تاثیر تهدیدات بر ابعاد

و المان های قدرت را محاسبه نموده است. همچنین با آنالیز سازه مستحکم قدرت ج.ا. ایران و شناسایی نقاط آسیب پذیر و آنالیز دقیق سازه قدرت ملی دشمن، کشورهای همسایه، و کشورهای موثر در تحولات بین المللی مانند: چین و روسیه، به تبیین الگوریتم اثر تهدیدات و تاب آوری قدرت ملی ج.ا. ایران پرداخته است تا به کمک این نظریه در جنگ احتمالی با چشم باز و با دید وسیع نسبت به تحولات آینده بتوانیم تصمیم بگیریم و با آنالیز اقدامات دشمن و تعیین نقش خودمان، اتخاذ تصمیم های خودمان را خیلی راحت تر بتوانیم عملی و اجرایی کنیم.

منابع

۱. احمدی، ابراهیم؛ احمدی، سیدعباس (۱۳۹۶). بررسی توانمندی‌های راهبردی منطقه آزاد چابهار در راستای وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی ایران (از منظر داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی). فصلنامه علمی راهبرد، ۲۶(۲)، ۲۳۵-۲۶۲.
۲. بوالحسنی، خسرو؛ کلانتری، فتح‌اله؛ سعادت راد، علیرضا؛ جافری، محمد قربان (۱۳۹۵). بررسی پارادایم امنیتی تهدید در مقابل تهدید. فصلنامه علمی امنیت ملی، ۶(۲۰)، ۱۴۳-۱۶۵.
۳. جهانشاهی، علی؛ نبی زاده، بابک؛ پناهی، بابک (۱۳۹۸). راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش عوامل ژئوپلیتیکی جهت ارتقای امنیت و توسعه پایدار مناطق مرزی کشور. مجله سیاست دفاعی، ۲۷(۱۰۷)، ۸۷-۱۲۴.
۴. حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی، مراد (۱۳۸۳). افقهای جدید در جغرافیای یاسی، تهران: انتشارات سمت.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ زرقانی، سید هادی؛ احمدی‌پور، زهرا؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۵). طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۲(۴)، ۴۶-۷۳.
۶. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۹ الف). قدرت و منافع ملی مبانی، مفاهیم و روشهای سنجش. تهران: نشر انتخاب.
- ۷- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۹ ب). نظریه ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۶(۱۹)، ۱-۸.
۸. فظ نیا محمدرضا (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. تهران: انتشارات آ بیر.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ متقی، منوچهر؛ بوالحسنی، خسرو؛ روشنی، رضا (۱۳۹۸). دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک و موثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۹(۳۴)، ۱۱۶-۱۹۱.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا؛ صالح آبادی، ریحانه؛ زرقانی، سید هادی؛ احمدی، سیروس (۱۳۹۸). محاسبه شاخص‌های اصلی و فرعی قدرت اجتماعی تاثیرگذار بر قدرت ملی کشورها و مقایسه وضعیت ایران با سایر کشورها. نشریه دانش سیاسی، ۱۵(۲)، ۳۸۹-۴۱۶.
۱۱. رجب‌پور، مجید؛ نریمانی، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی رابطه میان مؤلفه‌های فیزیکی قدرت با قدرت نظامی. فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، ۱۳(۲)، ۱۴۷-۱۷۴.
۱۲. رستمی، ابراهیم (۱۳۹۳). تحلیل عناصر قدرت از منظر مکتب رء یسم با تأکید بر نظریه هانس مورگنتا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، چاپ نشده.
۱۳. زرقانی، هادی (۱۳۸۸). مقدمه ای بر قدرت ملی، مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۴. زرقاتی، هادی (۱۳۸۹). نقد و تحلیل مدل‌های سنجش قدرت ملی. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۷(۱)، ۱۴۹-۱۸۰.
۱۵. زرقاتی، سید هادی (۱۳۹۱). سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱(۲)، ۱-۲۶.
۱۶. سعادت راد، علیرضا؛ دهقان، حسین (۱۳۹۵). تبیین مهم‌ترین چالش‌های فراروی سیاست‌گذاری دفاعی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۴(۶۶)، ۱۹۵-۲۱۶.
۱۷. سیاری، حبیب‌الله؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ خانزادی، حسین؛ کریمی، احمد (۱۳۹۹). تبیین جایگاه مؤلفه‌های صنایع دریایی در قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۸(۸۱)، ۷۹-۱۰۲.
۱۸. شهیر، احسان؛ یاحی، رسول (۱۳۹۵). "همدلی هم‌زبانی، دولت و ملت" راهبردی مؤثر بر استحکام ساخت درونی قدرت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی امنیت ملی، ۶(۲۰)، ۸۳-۱۰۲.
۱۹. طاحونی، شاپور؛ اخوان لیل آبادی، محمدرضا (۱۳۷۸). تحلیل سازه‌ها (روش کلاسیک و ماتریس). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۰. عزیزی، رضا؛ حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۹). ابتکار کمر بند و راه چین در غرب آسیا از دیدگاه نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۳(۲)، ۳۳۱-۳۵۵.
۲۱. کامگار، رضا؛ حیدری، علی؛ جاودانیان، حامد (۱۳۹۷). تحلیل ماتریسی سازه‌ها. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۲. کریمی‌پور، یدالله؛ ربیعی، حسین؛ مجتهدزاده، پیروز؛ ضرغامی، ابراهیم (۱۳۹۷). استراتژی دریایی و قدرت ملی (رویکردی نو به استراتژی دریایی). مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۸(۳۳)، ۲۱۲-۱۸۹.
۲۳. کلانتری، فتح‌ا...؛ رسولی، مهدی (۱۳۹۸). بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیکی ج.ا. ایران بر راهبرد دفاعی آن. فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، ۱۷(۱)، ۱۴۱-۱۶۶.
۲۴. گلدانی، مهدی (۱۳۹۷). الگویی برای تبیین بهینه رفتار اقتصادی کشورها در تقابلات نامتقارن قدرت با استفاده از نظریه بازیها و تئوری چشم‌انداز. فصلنامه اقتصاد دفاع، ۳(۷)، ۱۰۷-۱۲۳.
۲۵. محمودزاده، ابراهیم؛ قاضی، حسن؛ قوچانی، محمد مهدی (۱۳۹۶). نقش و جایگاه توسعه فناوری در بعد نظامی قدرت ملی. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۵(۶۷)، ۲۶۱-۲۸۴.
۲۶. مرادیان، محسن؛ هادی‌نژاد، فرهاد؛ پورمنافی، ابولفضل (۱۳۹۷). ارائه الگویی برای ارزیابی و تحلیل قدرت نظامی کشورها. فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، ۱۶(۴)، ۱۶۹-۲۰۰.
۲۷. واثق، محمود؛ رضائی سکه روانی، داود؛ چناری، سمیرا (۱۳۹۶). تأثیر اقلیت‌های فضایی بر قدرت ملی (با تأکید بر اقلیت‌های قومی). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۹(۳)، ۶۷۵-۶۹۱.

۲۸. وحیدی، احمد؛ سنجقی، محمدابراهیم (۱۳۹۷). ابعاد الگوی مدیریت راهبردی دانش در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۶(۷۱)، ۲۵-۴۶.
۲۹. یزدان پناه، کیومرث؛ صفوی، سیدیحیی؛ قالیباف، محمدباقر؛ پیشگاهی فرد، زهرا؛ شامانی، یاسر (۱۳۹۷). محاسبه قدرت نظامی با استفاده از فرمول های قدرت ملی کشورها. ۲۶(۱۰۲)، ۴۳-۶۹.

ب. منابع لاتین

30. Jamshidi, Mohammad, & Yazdanshenas, Zakiyeh (2020). Power Cycle Theory and Changes in The US Relative Power; A Context for Analyzing Foreign Policy Behavior. *Geopolitics Quarterly*, 16(59), 52-82.
31. Bowen, B. B. E. (2020). *War in space: strategy, spacepower, geopolitics*. Edinburgh University Press.

